

**تحلیلی بر رابطه سرمایه اجتماعی و شادی در زندگی دانشجویی**  
**(مورد مطالعه: دانشجویان واحد علوم تحقیقات تهران)**

فرشاد جعفروند<sup>۱</sup>، سروش فتحی<sup>۲</sup>

**چکیده**

یکی از نیازهای بشر، نیاز به شادمانی و ابراز شادی است. شادی میتواند با لذت بردن، رضایتمندی از مقتضیات نوع زندگی جمعی یا فردی از جمله زندگی کاری، تحصیلی، فراغتی و... نداشتن احساس منفی نظیر استرس، افسردگی و... متبلور شود. شادمانی تنها یک موضوع فردی و روانی نبوده بلکه عملی است که از تاثیر و تاثر متقابل با جامعه تولید می شود. به تعبیر دیگر از کنش متقابل انسانها در فرایند داد و ستدهای اجتماعی در جامعه حاصل می شود. بنابراین عوامل مختلفی در قالب شبکه در تولید و افزایش و کاهش آن نقش دارند. لذا هدف از این نگارش این مقاله تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و شادی در بین دانشجویان می باشد. جامعه هدف تعداد ۹۷۲۹ نفر از دانشجویان واحد علوم و تحقیقات تهران که مشغول به تحصیل می باشند با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۰ نفر انتخاب شدند و از روش نمونه گیری تصادفی سیستماتیک مورد پرسش قرار گرفتند. یافته ها نشان داد شادمانی و سرمایه اجتماعی دانشجویان به ترتیب (۰/۵۵) و (۰/۶۳) در سطح خوب ارزیابی شد. در نتیجه رابطه سرمایه اجتماعی و شادی مورد تایید قرار گرفت. بطوریکه دانشجویانی که از سطح سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار بودند به نسبت شادتر از دانشجویانی که سطح سرمایه اجتماعی پایینتری داشتند. فضای اجتماعی ایجاد شده بین دانشجویان که در آن روابط اجتماعی جدیدی در محیط جدید شکل گرفته که کنش های متقابل دانشجویی در این محیط باعث با نشاط تر شدن دانشجویان شده است.

**واژگان کلیدی:** سرمایه اجتماعی، شادی، همبستگی، اعتماد، مشارکت.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۱۷

<sup>۱</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار (Email: jafarvandnou@gmail.com)

<sup>۲</sup> گروه علوم اجتماعی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: Fathi.Soroush@gmail.com)

## مقدمه

یکی از نیازهای بشر، نیاز به شادمانی و ابراز شادی است. بیشتر افراد شادی را با لذت بردن، رضایتمندی از زندگی و نداشتن احساس منفی نظیر استرس، افسردگی و ... تعریف می کنند. ولی آیا واقعاً تعریف مشخصی از شادی وجود دارد و آیا ابراز شادی در ایران به صورت فرهنگ مشخص و هنجارمندی درآمده است. شادی کردن ریشه در فرهنگ و تاریخ یک ملت و جامعه دارد و برای بررسی آن باید به ریشه های تاریخی، فرهنگی و ... یک ملت توجه کرد. موضوع شادمانی در زندگی از دیرباز مورد توجه نوع بشر بوده و انسان همواره به دنبال این است که چگونه می تواند بهتر زندگی کند، چه چیزی بیشتر موجبات رضایتش را فراهم می سازد و با چه ساز و کارهایی می تواند از زندگی در این دنیا لذت ببرد. شادی و مسرت، احساس درونی انسان است. نیازی است که هر انسانی در زندگی خود ضرورت آن را احساس می کند، همان گونه که نیاز به غذا و استراحت لازمه زندگی است، نیاز به خوشحالی لازمه هر زندگی سالم و کامیاب می باشد. وقتی شخص از نظر هیجانی تحریک می شود، تجربه های خوشی به او دست می دهد و نشاط پیدا می کند. (دیکی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹، به نقل از نصوحی دهنوی، احمدی و عابدی، ۱۳۸۳: ۳۴). شادمانی تنها یک موضوع فردی نبوده و تاثیر و تاثر متقابل با جامعه دارد. بنا به گفته ونهون<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) شادی فعالیت فرد را برمی انگیزد و روابط اجتماعی و سیاسی را تسهیل می کند (نصوحی دهنوی، احمدی، عابدی، ۱۳۸۳: ۳۱). همچنین هیجان های مثبت فرصت هایی را در اختیارمان می گذارند تا روابط بهتری ایجاد کنیم و بارآوری بیشتری از خود بروز دهیم. برادبری<sup>۳</sup> (۱۹۶۷) در پژوهش های خود دریافته است که عدم شادی و نشاط یکی از عوامل بزهکاری و اضطراب می باشد (جعفری، عابدی و لیاقتدار، ۱۳۸۲: ۳). فقدان شادی بهره وری اجتماعی را پایین آورده و راه را بر خلاقیت و پیشرفت و توسعه جامعه می بندد.

یکی از نشانه های شکل گیری شخصیت افراد، نشاط و انبساط روحی می باشد. روان شناسان، شادی و نشاط را در گرو این می دانند که در کلیه عواطف شخص و زندگی و هماهنگی و انسجام وجود داشته باشد. و عقیده دارند که شادی و آرامش روحی در خلاقیت اندیشه، نقش بسزایی دارد (مظفر، ۱۳۷۳).

شادی و نشاط یک پدیده و ویژگی در انسان است که براساس سه بعد یا مولفه مشخص می شود که شامل عاطفه مثبت، رضایت از زندگی، و فقدان احساسات منفی می باشد. حاصل شدن حالت شادی و نشاط، وابسته به عواطف مثبت، رضایت از زندگی، لذت، آرامش، اعتماد به خود، شگفت زدگی و سرور، سرحال بودن، و تهییج شدن، و نیز فقدان احساسات منفی مانند عصبانیت، اضطراب و افسردگی است (ارگایل، ۲۰۰۱). روابط انسانی نیز، به عنوان یکی از عوامل موثر، سرچشمه شادی و لطافت انسان است که در سایه آن امور تسهیل می گردد (میر کمالی، ۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی یکی از مقولاتی است که در دهه های اخیر به طور جدی مورد توجه علوم انسانی قرار گرفته است. مفهوم سرمایه اجتماعی دربرگیرنده مفاهیمی مانند اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می دهد و آنها را به سوی دستیابی به هدفی ارزشمند هدایت می کند. در واقع منبع کنش های جمعی است که عامل پیوند دهنده ی عوامل اجتماعی خواهد بود و موجب استفاده از منابع فیزیکی و انسانی برای رشد و توسعه جامعه می شود.

هرچه شاخص های سرمایه اجتماعی در جامعه ای زیاد باشد آن جامعه از سرمایه اجتماعی بالاتری نیز برخوردار است. خانواده به عنوان نهادی اجتماعی، هسته نخستین پیوند اجتماعی انسان را بنیان می نهد و با تأمین مجموعه ای از نیازهای انسانی عهده دار نقش ها و کارکردهای ویژه ای است. نظریه بورديو از نظریه پردازان انواع سرمایه و سبک زندگی به شادمانی یکی از جنبه های سبک زندگی پرداخته است (کامیاب و سایرین، ۱۳۸۱: ۱۱۱). به علاوه بسیاری از عوامل مانند سلامتی و درآمد از طریق سبک زندگی بر شادمانی

<sup>1</sup> Dickey

<sup>2</sup> Veenhoven

<sup>3</sup> Bradbury

تاثیر می گذارند (ایسلام<sup>۱</sup> و سایرین، ۲۰۰۹: ۲۷۲). اصل کار بوردیو به این برمی گردد که عملکردهای افراد چگونه به واسطه ساختار بیرونی دنیای اجتماعی آن ها تحت تاثیر قرار می گیرد. او تاکید دارد که زندگی اجتماعی را نمی توان حاصل جمع ساده رفتارهای فردی تلقی کرد. از دید بوردیو نظام اجتماعی از طریق عادت واره<sup>۲</sup>ها در فرد به عنوان عامل خود را باز تولید می کند. از دیدی دیگر عادت واره به ساختارهای ذهنی یا شناختی اطلاق می شود که انسان ها از طریق آن با جهان اجتماعی برخورد می نمایند و دنیای بیرون از طریق عادت واره به ذهن و رفتار فرد نفوذ می کند (کاکرها<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰: ۱۶۳). مفهوم سبک زندگی از دید بوردیو را می توان از دل عادت واره بیرون کشید. از دید وی عادت مولد دو دسته نظام است: نظامی برای طبقه بندی اعمال و نظامی برای ادراک و شناخت ها (قریحه ها). نتیجه نهایی تعامل این دو نظام سبک زندگی است. سبک زندگی همان اعمال و کارهایی است که به شیوه ای خاص طبقه بندی شده و حاصل ادارکات خاصی می باشند. الگویی غیر تصادفی است و ماهیتی طبقاتی دارد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۵). البته باید در نظر داشت که شادی به مفهوم فیزیولوژیک و روانی، عملی فردی است و مورد بحث در اینجا نخواهد بود بلکه در نگاه جامعه شناختی به عنوان مسئله دیده می شود. همچنین توجه به گروه های شادمانه، رفتار جمعی شادی، گروه هایی که کارشان شاد کردن و خندانند مردم است مثل کمدی های خیابانی، حاجی فیروز، نمایش های روحی، تلخک ها، جنگ های شادی، تئاتر ارحام صدر (تئاتر معروف اصفهان)، تئاتر های سیرکی و... از جمله موضوعاتی است که می تواند در حیطه جامعه شناسی شادی و خنده قابل مطالعه و تأمل باشد. بنابراین با در نظر داشتن این که شادمانی بعدی از ابعاد سبک زندگی است می توان استنباط کرد که خود دارای ماهیتی طبقاتی می باشد. این ماهیت طبقاتی و چگونگی شکل گیری آن و علل و عوامل تاثیر گذار بر آن را می توان با دقت در مفهوم تمایز بوردیو روشن کرد. مفهوم تمایز یا تشخیص به معنای مجموعه تفاوت هایی است که رفتار و سبک های زندگی افراد جامعه به دلیل موقعیت های متفاوتشان از لحاظ سرمایه و قرار گیری آن ها در میدان های اجتماعی گوناگون میان آن ها ظاهر می شود (جمشیدیها و پرستش، ۱۳۸۶: ۶). با توجه به نمونه مورد بررسی در تحقیق حاضر که دانشجویان می باشند، دارای جمعیت جوان بوده و این جمعیت جوان به عنوان اصلی ترین سرمایه برای توسعه نیازمند توجه به سلامتی و به خصوص سلامت اجتماعی و نحوه تعاملات اجتماعی و نشاط اجتماعی یا شادی در پس این روابط است. دانشجویی که از سلامت روانی و اجتماعی کافی و مطلوب برخوردار نباشد نمی تواند با چالش های ناشی از ایفای نقش های اجتماعی کنار آمده و خود را با هنجارهای اجتماعی تطبیق دهد. همچنین خود کارآمدی به عنوان مهم ترین عامل ایستادگی در برخورد با چالش های زندگی و تضادهای آن می تواند دستخوش تغییرات خاص این دوره از تحول قرار گیرد و لذا توجه به میزان شادی در بین دانشجویان که منابع مدیریتی آینده جامعه می باشند برای رسیدن به جامعه ای سالم و پویا و توسعه یافته ضروری می نماید و لذا بر همین اساس برنامه ریزان جوامع در حال توسعه باید تلاش کنند تا میزان نشاط اجتماعی افراد جامعه خود را ارتقاء بخشند.

جامعه انسانی تنها مجموعه ای ساده ای از افراد نیست، بلکه نظامی است که از پیوند آنها نتیجه می شود و معرف واقعیت ویژه ای است که خصلت های خاص خود را دارد. از نظر دورکیم جامعه تنها از گرد آمدن اجزای خود و از تجمع انسانها به وجود نیامده، بلکه دارای هویت خاص و مستقلی است که او این هویت مستقل را "وجدان جمعی" می نامد... (ستوده، ۱۳۸۸، ص ۲۱). بنابراین برای فهم چگونگی و چرایی رفتار انسانها در جامعه آگاهی از ماهیت کنش های متقابل گروه ها و افراد تشکیل دهنده ی جامعه و مطالعه ویژگی های زندگی اجتماعی و سه جنبه اساسی آن (ساختار، کارکرد، فرهنگ) ضروری است. ساختار اجتماعی مجموعه روابط میان افراد، گروهها و طبقات مختلف جامعه است و نهادها و رفتارهای اجتماعی یا فرهنگی در آن جامعه براساس این روابط نظم می پذیرد. آدمی پیچیده در چنبره ارتباطات مدرن می کوشد تا بیشترین بهره را از زندگی ببرد. وسائل بی شمار تکنیکی به کمک آمده اند تا

<sup>1</sup> Islam

<sup>2</sup> Habitus

<sup>3</sup> Cockerham

اطلاعات هر چه سریع تر از یک نقطه به سراسر جهان ارسال شوند. دنیای بدون غم، خشم و جنگ، سرشار از مهربانی و شادی، آرزویی است که ریشه در خلقت و نهاد آدمی دارد. آرزویی که مقدمه غلبه بر تمام ناکامی هاست. در بافت جوان جامعه ما، آنگونه که باید شادابی و پویایی یک جامعه فعال و سخت کوش به چشم نمی خورد. باید پذیرفت که شادی و غم در زندگی اجتماعی انسان ها، تأثیرات عمده ای دارد. باید در نظر داشت که جمعیت ایران پس از کشور اردن بیشترین آمار جوانان را به خود اختصاص داده است، جوانانی که نیاز به شادی و ابراز شادی دارند، و همچنین ایران در جدول جهانی شادی رتبه پایینی کسب کرده (رتبه ۹۶) که در مقایسه با کشور هایی نظیر دانمارک، سوئیس و حتی هند رتبه پایینی را نشان می دهد. این آمار نشانگر این مطلب است که پدیده شادی در ایران دچار بحران شده است و این بحران در ایران و بالاخص نزد جوانان ایرانی پدیده ای است که قابل بررسی و در خور توجه می نماید. بنابراین هدف از نگارش این مقاله شناسایی رابطه مولفه های سرمایه اجتماعی و شادی اجتماعی در بین دانشجویان می باشد

مطالعات مختلفی در زمینه نشاط اجتماعی و سرمایه اجتماعی انجام شده که به نتایج برخی از این مطالعات پرداخته می شود جهانخواه، جهانبخش (۱۳۸۹) در بررسی نشاط اجتماعی و توسعه در ایران، نشان داد: نشاط اجتماعی، سرمایه حیات اجتماعی انسان ها است که می تواند در تحولات اجتماعی و سیاسی جوامع نقش سازنده ای را ایفا کند. نشاط اجتماعی به مجموعه ای از عوامل فردی و فرافردی مثل احساس (محرومیت، رضایت مندی، مقبولیت، عدالت، امنیت، مشروعیت حاکمیت) رشد اقتصادی، نرخ امید به زندگی و امید به آینده و عدم بیگانگی سیاسی، سطح سواد جامعه بستگی دارد. افزایش متغیرهای موصوف مولد و موجد نشاط و شادابی در جامعه و بالارفتن فرهنگ مشارکت جویانه است و هر چه این شاخص ها از رتبه بالاتری برخوردار باشند جامعه با نشاط تر، فرهنگی تر و در نهایت توسعه یافته تر می شود و هر چه نزول رتبه را در شاخص های فوق شاهد باشیم، روحیه افسردگی، ناامیدی، روحیه افسردگی و یاس بر ما غلبه می کند و همدلی کاهش می یابد و هرچه قدر نقش مردم در تصمیم گیری در آینده شان کمتر باشد، بی تفاوتی در جامعه حاکم می شود و عدم توجه مردم به حکومت و ساختارهای آن کاهش توسعه یافتگی سیاسی را به دنبال دارد. در این پایان نامه از روش توصیفی، تحلیلی و علی استفاده شده است البته در پاره ای موارد هم از روش پیمایش بهره مند گردیده است (جهانخواه، ۱۳۸۹).

موسوی، سید محسن (۱۳۸۷). «به بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان پرداخته است. پژوهش حاضر نشان داد: انزوای اجتماعی در سطح خرد و سرمایه اجتماعی در سطح کلان دارای اثرات مستقیم و قابل توجهی بر شادمانی می باشد که این نتیجه نشان می دهد "روابط همراه با اعتماد" را می توان به عنوان یکی از مهم ترین تعیین کننده های شادمانی باز شناخت. بررسی های بیشتر در این رابطه نشان داد خانواده و دوستان به عنوان عمده ترین منبع تامین کننده شادمانی مورد نیاز به افراد به شمار آمده که در شرایط فعلی، اغلب به عنوان پناهگاهی در مقابل ناامنی، آنومی، ناملایمات ناشی از محیط های خارجی را ایفا می کنند (موسوی، ۱۳۸۷).

چین آوه، محبوبه و همکاران (۱۳۸۳) در بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و شادکامی و تأثیر آن بر سلامت روان دانشجویان نشان دادند: حمایت اجتماعی به عنوان یک حائل یا میانجی بین استرس های زندگی و اختلال در تندرستی عمل می کنند و هر چه شادکامی فرد بالاتر باشد نشان دهنده این است که از حمایت اجتماعی بالایی برخوردار است (چین آوه و همکاران، ۱۳۸۳).

مهری، اسدالله (۱۳۹۰)، در «بررسی میزان تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت روانی و اجتماعی معلمان شهر همدان در سال ۱۳۹۰»، نشان داد: بین متغیرهای زمینه ای (سن، جنس، تحصیلات و سابقه کار) با سلامت اجتماعی و سلامت روانی رابطه معناداری وجود ندارد. در حالی که بین بعد مشارکت اجتماعی سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی و سلامت روانی به ترتیب (۰/۴۲۹ و ۰/۵۳۴-)، بعد روابط با دوستان و اقوام و خانواده (۰/۴۷۰ و ۰/۳۷۶-)، بعد اعتماد اجتماعی (۰/۵۹۳ و ۰/۳۶۱-)، بعد روابط همسایگی (۰/۶ و ۰/۳۱۰-)، بعد انسجام اجتماعی (۰/۴۰۶ و ۰/۱۷۹-)، بعد گرایش نسبت به دیگران (۰/۵۳۶ و ۰/۲۸۳-)، بعد ایثار نسبت به غریبه ها (۰/۳۶۶ و

۱۳۶/۰-، بعد حمایت اجتماعی (۵۱۵/۰ و ۳۲۹/۰-) و بعد علاقه به جامعه (۳۲۹/۰ و ۲۷۶/۰-) همبستگی معنی داری مشاهده شد. همچنین نتایج کلی، رابطه معنی داری بین سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی و سلامت روانی را نشان داد. طبق یافته ها، این پژوهش در راستای مطالعات صورت گرفته در این زمینه می باشد. بنابراین پیشنهاد می شود که به ارتقاء سلامت معلمان از طریق نظام های آموزشی و تربیتی با افزایش سرمایه اجتماعی، استفاده از روش های آموزشی گروهی و ایجاد شبکه های اجتماعی علمی، آموزشی، دوستی و تفریحی توجه شود (مهری، ۱۳۹۰).

ماکس هالر<sup>۱</sup> و مارکوس هندلر<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) به این موضوع پرداخته اند که «چطور روابط اجتماعی و ساختارها می توانند شادی و عدم شادی تولید کنند؟» تحلیل مقایسه ای بین المللی این تحقیق از یک نقطه نظر مقایسه ای- جامعه شناختی برخوردار است و نظریه مرکزی آن این است که شادی در رضایت باید فرایند تعامل میان ویژگی های شخصیتی و آرزوها از یک سو و روابط اجتماعی و ساختارهای اجتماعی بزرگ تر از سوی دیگر درک شوند. تحلیل رگرسیون چند خطی بین ۴۱ کشور جهان و با استفاده از پیمایش جهانی سال (۱۹۹۵-۱۹۹۷) انجام شده است، یافته ها نشان می دهند که شادی و رضایت از زندگی دو مفهوم تفاوت هستند و رضایت نیز با عوامل اجتماعی کلان مانند ثروت اقتصادی ملل، توزیع درآمد، وسعت دولت رفاه و آزادی سیاسی ارتباط دارد (به نقل از ادیسی، ۱۳۹۱).

افراد از روابط نزدیک خود در زندگی و کیفیت آن ها لذت می برند و این با شادمانی آن ها در ارتباط است. در واقع نقش روابط نزدیک در شادمانی حقیقتی عمیق است (مایرز<sup>۳</sup> ۱۹۹۲ به نقل از دمیر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹: ۲۹۴). رابطه بین مشارکت اجتماعی و شادمانی نیز مورد آزمون قرار داده شده است و وجود این رابطه مورد تأیید قرار گرفته است (فیلیپس<sup>۵</sup>، ۱۹۶۷).

#### ملاحظات نظری

جامعه از افراد کنشگری ساخته شده است که راه ها و اهداف مشترکی را دنبال می کنند. این اهداف مشترک بنابر منطق کارکردگرایی قطعاً برحسب نیازهای مشترک حاصل شده است. بنابراین، راه ها و اهداف مشخصی وجود دارند که مورد توافق جمع قرار گرفته است و به وسیله ی قراردادهای اجتماعی خودآگاه، یا ناخودآگاه، در جامعه مسلط شده است. در این نظریه، به ناگزیر، حرکت یا کنش انسان به سوی اهداف، به دلیل ارادی و اختیاری بودن آن در برابر جبرهای اجتماعی، و برخلاف آنچه در نظریه دورکیم گفته شد، از راهها و طرق متفاوتی می گذرد، ولی این راهها و طرق مختلف و در همان حال مشترک، قاعدتاً به طرف اهداف مشترک و از قبل تعیین شده ی فرهنگی پیش می روند. انجام کنش و یا انتخاب راهها، به گونه ای بنابر مصلحت بینی نظام جبرهای اجتماعی انتخاب می شوند، و بنابراین، روابط و یا عناصری از فرهنگ مادی و یا نامادی جامعه، همیشه بر انتخاب آدمی تأثیر می گذارند (تنهایی، ۱۳۸۹: ۲۴۴).

در نظریه ی کنش پارسنز، اجزاء همان افراد کنشگری هستند که رفتار عقلایی و بخردانه دارند، چرا که کنش براساس نیازهای مشترک، آگاهانه به سوی اهدافی سمت گیری می شوند. اگرچه مبنای کنش، نیازهای مشترک است، اما جهت آن دست یابی به اهداف مشترک خاصی است که دسته ای از مردم آن را از میان اهداف فرهنگی موجود برگزیده اند. بنابراین در نظام اجتماعی بزرگ پارسونز، دو عنصر مهم دیده می شود: یکی انسانهایی که کنشگر هستند، و کنش آنها به نسبت قالب های نظام های کوچک تر چهارگانه ای تبیین پذیر هستند، و دیگری، اهداف مشترکی که بنابر نظام فرهنگی مسلم و مشروع، تلقی می شوند، جای پاهایی که از نظریه ی وبر در نظریه ی پاسونز دیده می شود. (تنهایی، ۱۳۸۹)

1. Max Haller  
2. Markus Handler  
3. Mayers  
4. Demir  
5. Philips

به نظر پارسونز، ارزشها و هنجارهای اجتماعی چگونگی کنش را شکل می دهند و رهبری می کنند. منظور او از ارادی بودن کنش اجتماعی، به هیچ وجه آزادی مطلق در رفتار انفرادی نیست. در واقع به نظر پارسونز دو نوع روش یا شیوه عمل در برابر فرد وجود دارد که یکی بر اساس انگیزه های شخصی استوار است و دیگری عملی است که بر منافع اجتماعی متکی است. به عبارت دیگر انگیزه های فردی با ارزش های موجود نظام اجتماعی انطباق می یابد و به همین دلایل، نظام اجتماعی پایدار می ماند. در عین حال کنش اجتماعی جنبه عقلانی دارد و افراد همواره غایت و هدفی را در رفتار خود دنبال می کنند (توسلی، ۱۳۸۷: ۲۳۴).

در نظریه "رفتار" پارسونز اصطلاحات مختلفی از قبیل کنش، کنشگر، موقعیت یا محیط، هنجارهای اجتماعی (استاندارد شده)، تمایل و اختیار فرد و جریان اجتماعی شدن دخالت دارد. پارسونز، رفتارها را حاصل پایگاه و نقش اجتماعی فرد در جامعه می داند. کنش برخلاف رفتار اساساً ارادی است، فرد در انجام دادن و انجام ندادن آن آزاد و مختار است. از دیدگاه پارسونز کنش های اجتماعی تحت تأثیر چهار خرده نظام عمل می کند:

الف) نهاد دینی که مسئولیت ثبات اخلاقی را بر عهده دارد و از ارزشهای فرهنگی عمومی مراقبت می کند.

ب) نهاد حقوقی که هنجارها و قوانین اجتماعی را تنظیم می کند.

ج) نهادهای اقتصادی که شرایط انطباق با محیط طبیعی را فراهم و حیات اقتصادی جامعه را تأمین می کند.

د) و سرانجام نهادهای سیاسی که از هدف های عمومی جامعه مراقبت می کند. (همان، صص ۲۳۴ و ۲۳۵)

انتخاب و اختیار، از میان مجموعه ای صورت می گیرد که جامعه بر آن توافق دارد. مجموعه ای که قبلاً به عنوان قراردادهای اجتماعی، اعتقادات و ارزش ها در جامعه مدون گردیده است. اگر فردی خلاف توافق اجتماعی رفتار نماید، دیگر فردی به هنجار محسوب نمی شود. بنابراین انتخاب انسان بر اساس ملاک هایی قرار می گیرد که جامعه از قبل آنها را درست شمرده است. به عبارتی دیگر انسان مجبور است راهی از میان راههای موجود انتخاب کند و در پی دست یابی به اهداف موجود باشد. (تنهایی، ۱۳۸۹: ۲۴۵)

خلاصه آنکه می توان در متن کنشها و رفتارهای فرد روابط او را با نظام به قرار زیر بر شمرد:

۱. فرد، موجودی است افزون طلب که همواره در جستجوی غایت و هدفی است.

۲. در برابر فرد، شرایط و امکانات متفاوتی وجود دارد که می تواند برای دست یافتن به هدف خود، آنها را به کار گیرد.

۳. همه ی این شرایط و امکانات اعم از ارثی، زیستی و محیطی در تصمیم گیری های فرد تأثیر می گذارند.

۴. ارزشها و هنجارهای اجتماعی به نوبه ی خود، جهت تصمیم گیری فرد را تعیین می کنند و بر رفتار وی حاکم می باشند، در واقع آزادی فرد در محدودی است که می تواند خود را با معیارها و موازین اجتماعی انطباق داده، طبق آنها رفتار کند. (توسلی، ۱۳۸۷: ۲۳۵). بنابراین، کنش اجتماعی داوطلبانه ی وی، در قالبی اجتماعی انجام می گیرد و کنش فرد تحت تأثیر شرایط مختلف است. فرد به ایفای نقش اجتماعی خود می پردازد و هنجارها تعیین کننده ی کنش و رفتار او هستند.

در یک فراگرد اجتماعی شدن موفق، این هنجارها و ارزشها ملکه ی ذهن می شوند، یعنی به صورت بخشی از وجود کنشگران، یا "وجدان" آنها درمی آیند. (ریترز، ۱۳۸۷: ۱۳۶)

**پیر بوردیو:** اولین کسی بود که یک تحلیل نظام مند از سرمایه اجتماعی را ارائه کرد. بوردیو در مقاله اش در ۱۹۸۶، با نام «گونه های سرمایه»<sup>۱</sup> بیان می دارد که سرمایه اجتماعی «یک مجموعه از منابع موجود یا بالقوه است که منتج از یک شبکه ی بادوام متشکل از روابط کم و بیش نهادی شده در باب آشنایی و شناخت دو طرفه، یا به بیان دیگر، ناشی از عضویت در یک گروه است» (Bourdieu, 1985: 249).

از نظر بوردیو سرمایه به سه شکل اساسی ظاهر می شود:

<sup>۱</sup> . The Forms Of Capital

۱- سرمایه اقتصادی که بی‌درنگ و مستقیماً قابل تبدیل به پول است و ممکن است به شکل حقوق مالکیت نهادینه شود.  
۲- سرمایه فرهنگی که در شرایط معین به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است و ممکن است به شکل مدارک تحصیلی<sup>۱</sup> نهادینه شود.  
۳- سرمایه اجتماعی که از تکالیف و تعهدات اجتماعی (پیوندها و ارتباطات) ساخته شده، و در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است، ممکن است به شکل اصالت نجابت خانوادگی نهادینه شود (Ibid: 243).

بورديو، با مطرح کردن یک سنت نئومارکسیستی، به تعاملات سرمایه اجتماعی با دیگر انواع سرمایه‌ها در بازتولید نابرابری‌های اجتماعی<sup>۲</sup> می‌پردازد. برای مثال، او نشان می‌دهد که ایجاد شبکه‌های مفید سرمایه اجتماعی برای افرادی که دارای سطوح بالاتری از دیگر انواع سرمایه‌ها هستند، راحت‌تر انجام می‌شود. اینگونه افراد «به خاطر سرمایه اجتماعی‌شان مورد توجه هستند، و به خاطر مشهور بودن، از امتیاز شناخته شدن بهره‌مندند، آنها در مقایسه با تعداد جامعه‌پذیری‌شان، وقتی که به کار گرفته شود، سازنده‌تر است» (Ibid: 250؛ شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۳۷-۳۶).

بنابراین بورديو جایگاهی که برای سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد بر گستره پیوندها یا شبکه‌های اجتماعی متمرکز است. خانواده یکی از نمونه‌های برجسته این پیوندها است. بر این اساس شبکه‌ای از روابط خانوادگی می‌تواند جایگاه یک گردش غیر رسمی سرمایه باشد (فاین، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

فولی و ادواردز بیان می‌دارند که یک نقطه‌ی قوت نقش بورديو، که او را از کلمن و پاتنام متمایز می‌کند، شفافیت و انسجامی است که در بیان چگونگی ارزشیابی یا سنجش سرمایه اجتماعی ارائه می‌کند: بورديو می‌نویسد: «میزان سرمایه اجتماعی یک واحد خاص تابعی است که از حجم تماس‌های شبکه‌ای که می‌تواند بسیج کند، و همچنین حجم سرمایه‌ای (اعم از اقتصادی، فرهنگی، یا نمادین) که به واسطه‌ی ارتباط با کسانی که به آنها متصل است، به دست می‌آورد». همچنین از این رویکرد بورديو، مبنی بر این که موقعیت یک شبکه‌ی اجتماعی، درون یک حوزه‌ی اقتصادی - اجتماعی گسترده‌تر، عامل مهمی در تعیین میزان توانایی آن شبکه در ایجاد ارتباط بین منابع و اعضایش می‌باشد، استقبال می‌کنند (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۳۷).

بر طبق نظریه‌ی بورديو، سرمایه اجتماعی از دو بعد تشکیل شده است: ۱- شبکه‌ها و ارتباطات روابط اجتماعی ۲- جامعه‌پذیری. بورديو مشخصاً توضیح می‌دهد که افراد نایستی فقط به رابطه داشتن با دیگران اکتفا کرده، بلکه بایستی بدانند این شبکه‌ها چگونه عمل می‌کنند و چگونه می‌توان این روابط را در طول زمان حفظ کرد و از آنها بهره‌گرفت. بورديو به طور مشخص تأکید می‌کند که ابتدا بایستی شبکه‌های اجتماعی را ایجاد و سپس با مهارت کامل آنها را حفظ نمود تا بتوان از منابعشان بهره‌برداری کرد.

بورديو سپس مفهوم «سرمایه فرهنگی» را شرح می‌دهد. او این اصطلاح را برای اشاره به اطلاعات یا دانش درباره‌ی باورها و سنت‌های فرهنگی و معیارهای رفتاری خاصی که موفقیت و کامیابی در زندگی را ارتقا می‌دهند، به کار می‌برد. سرمایه فرهنگی در خانواده، با صرف منابع اقتصادی برای موارد مشخص و ارزشمند فرهنگی همانند کتاب، بلیط تئاتر یا موزه‌ها و دیگر صنایع فرهنگی ویژه از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. این مفهوم به طور ویژه با شناخت و آشنایی با زبان و فرهنگ مسلط در جامعه همراهی دارد. در حالی که بورديو مبنای بر این قرار داده که سرمایه فرهنگی برای دانشجویان طبقات بالای اجتماعی بیشترین سودمندی را دارد، ولی مقدمتاً به شناخت چگونگی بهره‌مندی افراد از این دو گونه‌ی سرمایه و همچنین، اینکه آنها چگونه برای بازتولید نابرابری‌های اجتماعی با هم کار می‌کنند، می‌پردازد. (همان: ۵۴-۵۵)

پورتس دیدگاه بورديو را مورد بررسی قرار داده است. پورتس از اینکه تحلیل بورديو مورد توجه قرار نگرفته اظهار تأسف می‌کند، زیرا تحلیل بورديو را قوی‌ترین تحلیل در بین تحلیل‌هایی می‌داند که مفهوم سرمایه اجتماعی را در گفت‌وگو با جامعه‌شناسی وارد کرده است. نگاه او به این مفهوم ابزاری است، زیرا توجه خود را بر دو جنبه متمرکز کرده است: (۱) فوایدی که فرد از مشارکت در گروه

۱. educational qualifications

۲. Social inequalities

به دست می‌آورد. ۲) برقراری ارتباطات اجتماعی عمدی برای فراهم آوردن دسترسی هر چه بیشتر به این منابع و سود فردی (پورتس، ۱۳۸۴: ۳۰۹). سرمایه اجتماعی مورد نظر پیر بوردیو، حاصل جمع منابع واقعی و یا بالقوه‌ای است که از شبکه بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده، آشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر با عضویت در یک گروه به دست می‌آید. پس به تمام عواید و منابعی که مجموعه افراد از قبیل موقعیت اجتماعی، عضویت و ارتباط تنگاتنگ خود با انواع شبکه‌ها، نهادها و سازمان به دست می‌آورند سرمایه اجتماعی اطلاق می‌شود (غفاری، ۱۳۸۷: ۱۴). پس سرمایه اجتماعی به شبکه‌های آشنایان و روابط گروهی مربوط می‌گردد که فرد در درون آن قرار گرفته است و می‌تواند به نفع خود از آن استفاده کند (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۰).

سرمایه اجتماعی از نظر جیمز کلمن از طریق کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی منبعی اجتماعی - ساختاری است که دارایی و سرمایه افراد محسوب می‌شود. این دارایی شی واحدی نیست، بلکه ویژگی‌هایی است که در ساختار اجتماعی وجود دارد و باعث می‌شود افراد با سهولت بیشتری وارد کنش اجتماعی شوند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲). بنابراین از نظر کلمن سرمایه اجتماعی جنبه‌ای از ساختار اجتماعی برای کنشگران است که کنشگران می‌توانند از آنها برای کسب منافعی استفاده کنند. (Coleman, 1988: 101).

کلمن، سرمایه اجتماعی را به شکل زیر تعریف می‌کند: مواردی که دو ویژگی را مشترکاً دارا هستند، همگی بعدی از یک ساختار اجتماعی را در بر می‌گیرند، و برخی کنش‌های مشخص افرادی که درون ساختار هستند را تسهیل می‌کنند. برخلاف دیگر انواع سرمایه، سرمایه اجتماعی ریشه در ساختار روابط درون و بیرون افراد دارد. سرمایه اجتماعی ورای افراد و ابزارهای فیزیکی تولید است. اشکال سرمایه‌ای که او شناسایی کرده، عبارتند از تعهدات و انتظارات، پتانسیل اطلاعات، هنجارها و ضمانت‌های مؤثر، روابط مبتنی بر اقتدار، سازمان‌دهی متناسب و هدفمند اجتماعی. بر خلاف بوردیو، کلمن معتقد است که سرمایه اجتماعی نتیجه‌ی سرمایه‌گذاری مستقیم نیست، بلکه محصول جنبی فعالیت‌های دیگر است.

سیستم خانوادگی مبنای تعریف کلمن از سرمایه اجتماعی است. از نظر او سیستم‌های خانوادگی از

الف - سرمایه مالی (منابع مالی برای هزینه‌های خانواده و پرورش کودک)

ب - سرمایه انسانی (تحصیلات و مهارت‌های اقتصادی والدین)

ج - سرمایه اجتماعی ساخته شده‌اند.

در حالی که دو مفهوم اول به توانایی شناختی و مالی والدین اشاره دارند، مفهوم سوم دقیقاً به ابعاد اجتماعی تر و بین فردی زندگی خانوادگی اشاره دارد (Coleman, 1988; 1990). با عطف به تعریف قبلی بوردیو، دو جزء جدا از هم سرمایه اجتماعی را شناسایی کرده است: سرمایه اجتماعی ۱. به عنوان یک ساختار رابطه‌ای و ۲. به عنوان فراهم کننده‌ی منابع برای دیگران از طریق رابطه با افراد (Coleman, 1988). (سرمایه اجتماعی مشخصاً با کارکردش تعریف می‌شود و به یک دارایی که فرد یا افراد می‌توانند به عنوان یک منبع از آن استفاده کنند اشاره دارد. «سرمایه اجتماعی، هرگونه رابطه‌ی اجتماعی است که منبعی برای فرد محسوب شود» (Coleman, 1990: 35). از این گذشته، کلمن منافع متعدد سرمایه‌ی اجتماعی، شامل انتظارات و تعهدات اعتماد و بده‌بستان و تثبیت هنجارها و ارزش‌ها در روابط را مورد تأکید قرار می‌دهد (Coleman, 1988).

علاوه بر این، تعریف به ارتباطات بین اعضای خانواده توجه می‌کند. از آنجایی که این مهارت‌های ارتباطی، مطابق با نظر کلمن، قواعد و هنجارها مبنایی را شکل داده و به این ترتیب تعهدات و مسئولیت‌پذیری فردی را در بین اعضای خانواده تحکیم می‌کنند، در ساختار خانواده نیز اهمیت دارند. کلمن همچنین مشاهده کرد که سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی به هم پیوسته، نیز بسیار قوی است. گرچه ممکن است به نظر آید این مفهوم دارای ماهیتی ثابت است، ولی باید توجه داشت که کلمن سرمایه اجتماعی را به



شکل یک ساخت نسبتاً ناپایدار تعریف کرده که می‌تواند در طول زمان و در واکنش به وضعیت‌های متفاوت تغییر کند (Furstenberg and Hughes, 1995).

پاتنام در جوامعی که در آنها مردم می‌توانند مطمئن باشند که اعتماد مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد بلکه جبران می‌شود، احتمال زیادتری برای انجام معاملات و مبادلات وجود دارد. برعکس، مبادلات مکرر در طی یک دوره زمانی نیز به نوبه خود توسعه هنجارهای معامله متقابل عمومی را به دنبال می‌آورد. در مجموع انواع مشخصی از شبکه‌های اجتماعی، خودشان روند حل مشکلات عمل جمعی را تسهیل می‌نمایند. مارک گرانووتر<sup>۱</sup> معتقد است هنگامی که توافقاتی درون یک چارچوب بزرگتر روابط شخصی و شبکه‌های اجتماعی حاصل می‌شود، اعتماد ایجاد می‌گردد و انگیزه تخلف از مقررات رنگ می‌بازد (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۹۵).

پاتنام در چگونگی فرآیند تبدیل اعتماد فردی به اعتماد اجتماعی معتقد است که اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن پیچیده از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مدنی - ناشی می‌شود وی در بحث تقدم و تأخر سه عامل مذکور که منابع سرمایه اجتماعی را می‌سازند معتقد است: «اعتماد اجتماعی به هنجارهای معامله متقابل، شبکه‌های مشارکت مدنی و همکاری موفقیت‌آمیز متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. وجود نهادهای همکاری جوینه کارآمد مستلزم مهارت‌ها و اعتماد بین اشخاص است اما آن مهارت‌ها و این اعتماد نیز به نوبه خود به وسیله همکاری سازمان‌یافته تلقین و تقویت می‌شوند. هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی، به رفاه اقتصادی کمک می‌نمایند و به نوبه خود نیز توسط این رفاه تقویت می‌شوند.» وی به یک نوع «تحلیل تعادلی» به جای تحلیل خطی در ارتباط این سه عنصر با یکدیگر معتقد است (همان: ۳۰۹). به زعم پاتنام منابع سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها معمولاً خود تقویت‌کننده و خودافزاینده‌اند. دور باز تولید‌کننده فضایل، به تعادل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه جمعی منجر می‌شود. این ویژگی‌ها معرف جامعه مدنی‌اند. برعکس فقدان این ویژگی‌ها در جوامع غیرمدنی نیز خود خصلتی تقویت‌کننده دارد. عهد شکنی، بی‌اعتمادی، فریب و حيله، بهره‌کشی، انزوا، بی‌نظمی و رکود یکدیگر را در یک جو خفقان‌آور دورهای باطل تشدید می‌کنند.

وی شبکه‌های افقی را آن شبکه‌های می‌داند که زمینه مشارکت افراد را در جامعه فراهم می‌سازد و تأکید وی در اینجا روی انجمن‌های داوطلبانه است. در کتاب مذکور پاتنام انجمن‌های داوطلبانه را محدود به آن کلوب‌های ورزشی و انجمن‌های فرهنگی می‌کند که اثراتی بر یکپارچگی و وفاق اجتماعی می‌گذارند. وی در جایی دیگر ادعا می‌کند که این شبکه‌ها از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند و هر چه این شبکه‌ها مترکم‌تر باشند احتمال بیشتری وجود دارد تا شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری نمایند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۶). وی معتقد است که انجمن‌های داوطلبانه که جزو شبکه‌های افقی محسوب می‌شوند به شیوه‌های گوناگونی بر تعاون و تعامل اجتماعی مابین کنشگران تأثیری می‌گذارند (پاتنام، ۱۹۹۲: ۱۷۴-۱۷۳).

۱- این انجمن‌ها هزینه‌های بالقوه عهدشکنی را در هر معامله‌ای افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر این انجمن‌ها به خاطر شبکه‌های افقی که ایجاد می‌کنند. ریسک فرصت‌طلبی را در معاملات افزایش می‌دهند.

۲- این انجمن‌ها هنجارهای قوی تقابل (معامله متقابل) را تقویت می‌کنند.

۳- انجمن‌های داوطلبانه ارتباطات را تسهیل می‌کنند و جریان اطلاعات را در زمینه قابل اعتماد بودن افراد، بهبود بخشید.

۴- انجمن‌های داوطلبانه تجسم موفقیت‌پیشینان در همکاری هستند که می‌توانند به عنوان یک چارچوب فرهنگ شفاف برای همکاری آینده عمل کنند.

از نظر لوری، سرمایه اجتماعی مجموع منابعی است که در ذات روابط اجتماعی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی یا اجتماعی کودک یا جوان سودمند است. (گلن لوری ۱۹۸۱ به نقل از پورتس: ۱۹۹۸: ۵) این منابع برای افراد مختلف،

<sup>1</sup> mark Granovetter

متفاوت است و می تواند مزیت مهمی برای کودکان و نوجوانان در رشد سرمایه انسانی شان باشد. لوری مفهوم سرمایه اجتماعی را برای تشخیص منابع اجتماعی سودمند برای توسعه سرمایه انسانی، وارد اقتصاد کرد، با این حال گامی فراتر نمی گذارد تا مفهوم سرمایه اجتماعی را با دقت ساخته و پرداخته کند. (گلن لوری ۱۹۸۱ به نقل از پورتس: ۱۹۹۸: ۵).

### فرضیه پژوهش

۱. به نظر می رسد بین مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
۲. به نظر می رسد بین اعتماد اجتماعی و نشاط اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
۳. به نظر می رسد بین همبستگی اجتماعی و نشاط اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
۴. به نظر می رسد بین حمایت اجتماعی و نشاط اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
۵. به نظر می رسد بین سرمایه اجتماعی و نشاط اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

### روش شناسی

در تحقیق حاضر با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی از روش پیمایش استفاده شده است به طوریکه روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از لحاظ زمانی به صورت مقطعی، از لحاظ میزان ژرفایی، پهنانگر، از بعد کارکردی پژوهش کاربردی و از بعد زمینه و قلمرو اجرا و نحوه جمع آوری داده ها میدانی در نظر گرفته شده است. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق جوانان دانشجو که در واحد علوم و تحقیقات تهران در دانشکده های علوم پایه و دانشکده های فنی و مهندسی مشغول تحصیل می باشند که تعداد آنها برابر با ۹۷۲۹ نفر است و صفات مشترک میان آنها دانشجو بودن و همچنین تحصیل در واحد علوم و تحقیقات تهران در سال ۱۳۹۲ است، انتخاب شده است. جهت تعیین حجم نمونه از فرمول نمونه گیری کوکران استفاده شده است به این صورت که:

$$n = \frac{\frac{(1/96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.5)^2}}{1 + \frac{1}{9729} \left[ \left( \frac{(1/96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.5)^2} \right) - 1 \right]} = \frac{384/16}{1/0.3938} = 298/6.495 \approx 300$$

### یافته ها

یافته های حاصل از عملیات میدانی نشان داد: ۴۲،۳ درصد از پاسخ گویان زن و با ۵۷،۷ درصد از پاسخگویان مرد می باشند. ۴۵،۷ درصد مجرد و ۵۴،۳ درصد متاهل هستند. ۲۲،۳ درصد کارشناسی، ۵۱،۷ درصد کارشناسی ارشد و ۲۵،۷ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل می باشند. ۱۷،۳ درصد ۲۵ تا ۲۰ سال، ۳۸،۰ درصد ۳۰ تا ۲۶ سال، ۲۰،۷ درصد ۳۵ تا ۳۱ سال، ۲۱،۷ درصد ۴۰ تا ۳۶ سال، ۲،۰ درصد ۴۵ تا ۴۰ سال می باشند. سطح سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان ۰/۶۳ سطح خوب، ۲۰ درصد متوسط و ۱۷ درصد سطح پایین ارزیابی شد. و میزان شادمانی در بین دانشجویان ۰/۵۵ سطح خوب، ۳۰ درصد سطح پایین و ۱۵ درصد سطح متوسط بدست آمد. یافته های استنباطی حاصل از آزمون فرضیه به شرح ذیل نشان داد:

**فرضیه ۱:** به نظر می رسد بین مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به این که میزان مشارکت اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی متغیرهای رتبه ای می باشند از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود.

جدول (۱): آزمون همبستگی پیرسون میان مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی

متغیرها	تعداد	مقدار ضریب همبستگی	سطح معنی داری (۰/۰۵)
مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی	۳۰۰	۰/۶۵۰	۰/۰۱۸

با توجه به جدول (۱) میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی برابر با ۰/۶۵۰ محاسبه شده است که این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) مشارکت اجتماعی میزان نشاط

اجتماعی افزایش (یا کاهش) می یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۱۸ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می شود. یعنی بین مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.

**فرضیه ۲:** به نظر می رسد بین اعتماد اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به این که میزان اعتماد اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی متغیرهای رتبه ای می باشند از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود.

جدول (۲): آزمون همبستگی پیرسون میان اعتماد اجتماعی و نشاط اجتماعی

متغیرها	تعداد	مقدار ضریب همبستگی	سطح معنی داری (۰/۰۵)
اعتماد اجتماعی و نشاط اجتماعی	۳۰۰	۰/۷۱۴	۰/۰۰۷

با توجه به جدول (۲) میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای اعتماد اجتماعی و نشاط اجتماعی برابر با ۰/۷۱۴ محاسبه شده است که این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) اعتماد اجتماعی میزان نشاط اجتماعی افزایش (یا کاهش) می یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۰۷ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می شود. یعنی بین اعتماد اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.

**فرضیه ۳:** به نظر می رسد بین همبستگی اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به این که میزان همبستگی اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی متغیرهای رتبه ای می باشند از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود.

جدول (۳): آزمون همبستگی پیرسون میان همبستگی اجتماعی و نشاط اجتماعی

متغیرها	تعداد	مقدار ضریب همبستگی	سطح معنی داری (۰/۰۵)
همبستگی اجتماعی و نشاط اجتماعی	۳۰۰	۰/۵۴۲	۰/۰۴۳

با توجه به جدول (۳) میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای همبستگی اجتماعی و نشاط اجتماعی برابر با ۰/۵۴۲ محاسبه شده است که این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) همبستگی اجتماعی میزان نشاط اجتماعی افزایش (یا کاهش) می یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۴۳ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می شود. یعنی بین همبستگی اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.

**فرضیه ۴:** به نظر می رسد بین حمایت اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به این که میزان حمایت اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی متغیرهای رتبه ای می باشند از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود.

جدول (۴): آزمون همبستگی پیرسون میان حمایت اجتماعی و نشاط اجتماعی

متغیرها	تعداد	مقدار ضریب همبستگی	سطح معنی داری (۰/۰۵)
حمایت اجتماعی و نشاط اجتماعی	۳۰۰	۰/۶۲۲	۰/۰۱۹

با توجه به جدول (۴) میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای حمایت اجتماعی و نشاط اجتماعی برابر با ۰/۶۵۰ محاسبه شده است که این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) حمایت اجتماعی میزان نشاط اجتماعی افزایش (یا کاهش) می یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۱۹ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می شود. یعنی بین حمایت اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.

**فرضیه ۵:** به نظر می رسد بین سرمایه اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به این که میزان سرمایه اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی متغیرهای رتبه ای می باشد از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود.

جدول (۵): آزمون همبستگی پیرسون میان سرمایه اجتماعی و نشاط اجتماعی

متغیرها	تعداد	مقدار ضریب همبستگی	سطح معنی داری (۰/۰۵)
سرمایه اجتماعی و نشاط اجتماعی	۳۰۰	۰/۷۸۲	۰/۰۱۵

با توجه به جدول (۵) میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای سرمایه اجتماعی و نشاط اجتماعی برابر با ۰/۷۸۲ محاسبه شده است که این میزان نشانگر وجود رابطه ای نسبتاً قوی و مستقیم است. بدین معنی که با افزایش (یا کاهش) سرمایه اجتماعی میزان نشاط اجتماعی افزایش (یا کاهش) می یابد. با توجه به سطح معناداری این رابطه که برابر با ۰/۰۱۵ است و کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پژوهش تایید می شود. یعنی بین سرمایه اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.

### نتیجه گیری

نشاط (شادکامی) به عنوان عامل تحرک و نظم یکی از خلقیات اساسی در زندگی فردی است و نقش مهمی در چارچوب حیات روانی و اجتماعی او بازی می کند. نشاط یکی از نیازهای اساسی انسان و لازمه حیات اجتماعی اوست، نشاط به قوام جامعه کمک کرده و تقویت کننده بعضی روابط اجتماعی است. نشاط عبارت از چگونگی داوری فرد درباره نحوه گذران زندگی است، این نوع داوری متأثر از ادراکات شخصی فرد و تجربه احساسات و عواطف مثبت است که بر سبک تبیین، قضاوت و تصمیم گیری او اثر می گذارد (سلیگمن، ۲۰۰۲: ۸۰). نشاط اجتماعی یکی از مهم ترین نیازهای جوامع بشری است و اصلی ترین محرک دستیابی به اهداف بشری می باشد. نشاط موجب نگرش مثبت به زندگی، خودپنداری مثبت، برخورداری از سلامت روان و تعادل عاطفی، امیدواری به آینده، نگرش مطلوب و رضایت آمیز به خود و دیگران، روابط اجتماعی متعادل، دوری از کینه و نفرت، انتخاب آگاهانه اهداف زندگی، تلاش برای تحقق اهداف، دوری از اتلاف وقت و کاهلی، افزایش موفقیت های زندگی، برخورداری از شاخص های بالای زندگی، عملکرد بهتر سیستم ایمنی در مقابل استرس ها، خواب بهتر، تمایل بیشتر در کمک به دیگران، عملکرد بهتر شغلی - تحصیلی و تصمیم گیری بهتر می گردد (شریفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۳)

مفهوم سرمایه اجتماعی دربرگیرنده مفاهیمی مانند اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می دهد و آنها را به سوی دستیابی به هدفی ارزشمند هدایت می کند. درواقع منبع کنش های جمعی است که عامل پیوند دهنده ی عوامل اجتماعی خواهد بود و موجب استفاده از منابع فیزیکی و انسانی برای رشد و توسعه جامعه می شود. هرچه شاخص های سرمایه اجتماعی در جامعه ای زیاد باشد آن جامعه از سرمایه اجتماعی بالاتری نیز برخوردار است. خانواده به عنوان نهادی اجتماعی، هسته نخستین پیوند اجتماعی انسان را بنیان می نهد و با تأمین مجموعه ای از نیازهای انسانی عهده دار نقش ها و کارکردهای ویژه ای است.

با توجه به مطالعه حاضر که در یک محیط کاملاً علمی و دانشجویی انجام شده است یافته های میدانی موید رابطه بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن چون مشارکت، اعتماد، همبستگی و حمایت اجتماعی با شادی است با توجه به این که این منابع خود به دلایل مختلفی در محیط های انسانی تولید و یا باز تولید می شوند از طرفی عوامل اثر گذار و یا یک محرک نقش اساسی و سازنده در تعاملات انسانی از جمله کیفیت، نوع، ابعاد و شعاع روابط اجتماعی در فضای اجتماعی دارند که خود باز تولید شادی را به همراه خود به محیط دانشجویی که مبتنی است بر نیاز خاص دوران علم آموزی است افراد با استفاده از برقراری ارتباط با دیگران (سایر دانشجویان) در صدد پاسخ گویی بهینه به نیازهای خود هستند و از طرف دیگر نوعی رقابت و رفاقت را چاشنی عمل اجتماعی خود قرار داده اند. همانطور که یافته ها نشان داد میزان سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان در سطح خوبی حدود ۶۳ درصد قرار دارد و از طرف دیگر میزان شادمانی در این محیط علمی برابر با ۵۵ درصد ارزیابی شد که نشان از محیطی سالم دارد در نتیجه رابطه بدست آمده بین سرمایه

اجتماعی و شادی با نتایج تحقیق لیونگ و همکاران و پوتنام و همکاران همسویی دارد همانطور که لیونگ و همکاران از بررسی نقش سرمایه اجتماعی در شادی مردم دریافتند که رابطه معنی داری بین شادی و هر سه بعد سرمایه اجتماعی که توسط کلمن با نام های اعتماد و التزامات، کانال های اطلاعاتی، هنجارها و ضمانت اجرایی مطرح شده، وجود دارد. همچنین، آنها نشان دادند که یک شبکه اجتماعی قوی با دوستان عاملی مهم در رابطه با شادی یک فرد است. به علاوه، داشتن ارتباطات بیشتر یک شخص به طور مثبتی با شادی او رابطه دارد (لیونگ و همکاران ۲۰۱۰: ۱۰). نتایج تحقیق حاضر نیز نشان داد فاصله، ابعاد و شعاع سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان کمتر است، که خود موید برطف شدن نیازها و ایجاد فضای شاد و با نشاط در بین دانشجویان را نشان می دهد پس می توان دریافت سرمایه گذاری اجتماعی در کنار سایر سرمایه های می تواند یک عامل موثر در تولید و بازتولید کنش های اجتماعی از جمله شادی موثر باشد. از نظر پوتنام و همکاران نیز، سرمایه اجتماعی یک پیش بینی کننده قوی برای تعیین میزان شادی افراد و کیفیت زندگی در اجتماع است و لذا برای افزایش سطح شادی مردم سرمایه گذاری در سرمایه اجتماعی بسیار ارزشمند تر از سرمایه گذاری های اقتصادی است (جعفری و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۴). همچنین آنها دریافتند افرادی که از نظر روابط اجتماعی مهارت بیشتری دارند و بهتر می توانند با مردم رابطه برقرار کنند، نسبت به افرادی که از نظر مالی غنی تر، ولی روابط اجتماعی مطلوبی ندارند، شادتر هستند (دریکوندی، ۱۳۸۱: ۲۷).

از نتایج این تحقیق می توان دریافت با بالا رفتن سن، تجربه اندوزی در کنار سایر عوامل در یک محیط علمی منجر به شکل گیری و یا باز تولید شبکه اجتماعی (دانشجویی) با خصوصیات و شاخص های جدید در حال شکل گیری است که افراد با توجه به موقعیت اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و سیاسی..... خود در تعامل هستند. در پی شکل گیری این شبکه، عوامل، عناصر و اجزاء آن در کنش با یکدیگر به یک نوع تعامل اجتماعی - فرهنگی در محیطی جدید روی آورده اند که می تواند به یک جامعه سالم و پایدار منجر شود. به نظر میرسد عوامل سازنده این شبکه جدید نقش اساسی در تغییر کیفیت محیطی و سبک زندگی جدید بازی می کنند. در تحقیقی دیگر، ریچارد رز (۲۰۰۰) معتقد است که سرمایه اجتماعی بیش از سرمایه انسانی (میزان تحصیلات، درآمد، موقعیت اجتماعی فردی و...) در میزان شادی افراد جامعه موثر است (جعفری و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۳) رز همچنین بر این باور است که شبکه های سرمایه اجتماعی به طور خاص در فراهم آوردن حمایت های عاطفی و روانی نقش موثری در اتقای سلامت روانی افراد دارند. در سطح فردی نیز مشخص شده است که سرمایه اجتماعی همبستگی مستقیمی با شادی درونی دارد؛ به آن دلیل که سرمایه اجتماعی نوعی حمایت و فرصت های سهم شدن با دیگران را فراهم می کند. (اکبر زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۴).

## منابع

۱. آرگایل، مایکل (۱۳۸۳). روانشناسی شادی. ترجمه: فاطمه بهرامی، حسن پالانگ، حسن گوهری. تهران: نشر جهاد دانشگاهی، واحد صنعتی.
۲. آزموده، پیمان (۱۳۸۳). رابطه جهت گیری مذهبی با سرسختی و شادکامی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نشده.
۳. آیزنک، مایکل (۱۳۷۵). روانشناسی شادی. ترجمه: مهرداد فیروز بخت و خشایار بیگی. تهران: انتشارات بدر.
۴. آیزنک، مایکل (۱۳۷۸). همیشه شاد باشید. ترجمه: ز. چلونگر. تهران: انتشارات نسل نو اندیش.
۵. احتشامی اکبری، کاملیا (۱۳۸۶). «نقش علم بازاریابی در سلامت اجتماعی-۱». نشریه تفاهم، ۲۶ و ۲۹ خرداد.
۶. احمدی، بتول و دیگران (۱۳۸۶). سیمای سلامت زنان. تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، چاپ نشده.
۷. ازکیا، مصطفی و دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۲). روش های کاربردی تحقیق جدول اول. تهران: انتشارات کیهان.
۸. ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا؛ ایمانی، علی و احمد رش، رشید (۱۳۸۹). نظریه های اجتماعی معاصر با رویکرد توسعه. تهران: نشر علم.

۹. اصغر پور، احمدرضا (۱۳۸۴). سنجش میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال تحصیلی ۱۳۸۳-۸۴ و عوامل موثر بر آن. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی-پژوهش، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ نشده.
۱۰. امینی رارانی، مصطفی (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ نشده.
۱۱. بیی، ارل (۱۳۸۱). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول. ترجمه: رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت.
۱۲. براتی، سارا (۱۳۹۰). بررسی رابطه نحوه گذران اوقات فراغت و سلامت اجتماعی (نمونه مورد بررسی جوانان ۲۹-۱۵ ساله شهرستان بجنورد). پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان (گرایش زن و خانواده)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، چاپ نشده.
۱۳. بیات، محبوبه، نادری فر، مهین؛ بیات، مقداد؛ میری، مجید و فروغی، سعید (۱۳۸۶). «سلامت اجتماعی کودکان ۱۱-۷ ساله ساکن مراکز نگهداری شبانه‌روزی». دو ماهنامه پرستاری ایران، شماره ۳، پاییز.
۱۴. پاتر، رابرت و لوید، ایونز (۱۳۸۴). شهر در جهان در حال توسعه. ترجمه: کیومرث ایران دوست، مهدی دهقان و میترا احمدی. تهران: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور.
۱۵. پاتنام، رابرت (۱۳۷۹). «دموکراسی و سنت‌های مدنی». ترجمه: محمد تقی دلفروز. تهران: روزنامه سلام.
۱۶. پاتنام، رابرت و دیگران (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، اعتماد دموکراسی و توسعه. ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر شیرزاده.
۱۷. پیران و دیگران (۱۳۸۵). «کار پایه مفهومی و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)». فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.
۱۸. توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹). نظریه های جامعه شناسی. تهران: نشر سمت.
۱۹. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، رابطه آسیب ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
۲۰. چین آوه، محبوبه و الهام روستایی (۱۳۸۳). رابطه بین حمایت اجتماعی و شادکامی و تاثیر آن بر سلامت روان دانشجویان. طرح پژوهشی مصوب دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان، چاپ نشده.
۲۱. حاتمی، پریسا (۸۹-۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر سلامت اجتماعی دانشجویان با تأکید بر شبکه های اجتماعی. پایان نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ نشده.
۲۲. ستوده، هدایت الله (۱۳۷۸). آسیب شناسی اجتماعی. تهران: نشر آوای نور.
۲۳. سرایی، حسن (۱۳۸۲). مقدمه ای بر نمونه گیری در تحقیق. تهران: انتشارات سمت.
۲۴. سرایی، حسن (۱۳۸۹)، روش های تحقیق پیشرفته، جزوه دوره دکتری، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران.
۲۵. سلیمانی، محمد (۱۳۸۷). «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی، مروری بر مطالعات انجام شده». مجله راهبرد، شماره ۱۵، پاییز، ص ۱۷۹-۱۶۳.
۲۶. سیف الهی، سیف اله و رحمانی خلیلی، احسان (۱۳۹۱). «روابط و مناسبات در کلان شهرها و همگرایی قومیت ها» (ص ۱۲۷). مجموعه مقالات همایش ملی اقوام ایران ۱۴۰۴، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲۷. شارون، جونل (۱۳۷۹). ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
۲۸. شجاعی باغینی، محمد مهدی و همکاران (۱۳۸۷). مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۹. عجم نژاد، رضا (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر سلامت اجتماعی معلمان شهر مراغه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، چاپ نشده.
۳۰. علی پور، احمد (۱۳۸۵). «ارتباط حمایت اجتماعی با شاخص های ایمنی بدن در افراد سالم: بررسی مدل تاثیر کلی». مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار) تابستان، ۱۲ (پیاپی ۴۵)، ص ۱۳۴-۱۳۹.
۳۱. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

۳۲. کنگرلو، مریم (۱۳۸۷). بررسی میزان سلامت اجتماعی دانشجویان شاهد و غیر شاهد دانشگاه علامه طباطبایی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی تهران، چاپ نشده.

۳۳. مذهب دار قشقاغی، هما (۱۳۸۶). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان سلامت روانی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵. پایان نامه کارشناسی ارشد مدد کاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ نشده.

34. Ahuvia, Aaron. C. (2008). "If money doesn't make us happy, why do we act as if it does?". *Journal of Economic Psychology*, Vol. 29, No. 4, pp. 491-507.
35. Andrews, FM., & Whithey, SB. (1976). *Social indicators of well-being; America's perception of life quality*. New York: plenum.
36. Argyle, M. (2001). Personality, self-esteem and demographic predictions of happiness and depression in H. Cheng & A. Farnham (Eds), *The Psychology of happiness*.
37. Austin, E. J., Saklofske, D. H. & Egan, V. (2005). "Personality well-being and health correlates of trait emotional intelligence". *Personality and Individual Differences*, No. 38, pp. 547-558.
38. Bastani, S. (2001). *Middle Class Community in Tehran: Social Network, Social Support and Marital Relationships*. (Unpublished doctoral dissertation). Department of Sociology, University of Toronto, Canada.
39. Putnam, R (2003). "Ethnic diversity and social capital". paper presented at Ethnic Diversity and social capital seminar, Families & social capital ESRC Research Group in association with the Economic and social Research council and British Academy, 24 june, British Academy, London.
40. Putnam, R. (1995). "Bowling Alone: America s Declining Social Capital". *Journal of Democracy*, No. 6, pp. 65-78.
41. Putnam, R. (2000). *Bowling Alone: the collapse and revival of American community*. New York: Simon and Schuster.
42. Putnam, R. (2007). *Social capital and civic community*. New York: Simon and Schuster.
43. Putnam, R., with, D., Leonardi, R., Nanetti, R. Y. (1993). *Making Democracy Work, Civic traditions in modern Italy*. Princeton, New Jersey: Princeton Unversiry Press.
44. Rahn, W., & Brehm, J. (1997). "Individual-Level Evidence for the Causes and Consequances of Social Capital". *American Journal of Political Science*, Vol. 41, Issue 3 (Jul., 1997), pp. 999-1023.
45. Ratus, SA. (1990). *Psychology*. Holt, Rinehart and Winston.
46. Rose, R. (1999). "What does social capital add to individual welfare?". An empirical analysis of Russia, social capital initiative working paper, No.15, the work bank, Washington DC.
47. Ross, C.E. & Vu., C.L. (1996). "Education, age, and the cumulative advantage in health". *Journal of health and social behavior*, No. 37.
48. Ross, C.E., & Vu., C.L. (1995). "The links between education and health". *American sociological review*, 60.